

## ۳۰ - سپار خان Sabbar Khan

بن سید محمد سبزواری از سادات بنی مختار است که مدت زمانی نقابت مشهد رضوی و امارت حاج با آنها بوده است جدش میر شمس الدین علی ثانی در عراق و خراسان نقابت داشت و در ایام سلطنت شاهرخ شاه در سبزواری متوطن شد تا اینکه نوبت نقابت بجدش شمس الدین ثانی رسید که از رجال مهم خراسان محسوب میشد مقارن آن ایام در دوره شاه سلطان حسین صفوی در بلخ مرقدی آشکارا شد که بروی نام امیر المؤمنین علی بن ابیطالب مکتوب بود شاه سلطان حسین ویرا بنقابت آن نواحی مامور نمود پس از مرگ شاه سلطان حسین و حدوث انقلابات شمس الدین از بلخ به هند مهاجرت کرد و در آنجا توطن نمود سید محمد سبزواری فرزند شمس الدین و پدر خان جان سپار خان دهلی بمقامات و مناصب عالیه نایل گشت و در ایام محمد جهانگیر شاه بلقب مختار خانی ملقب شده سپس وفات نموده

سید محمد سه پسر داشت شمس الدین مختار خان .. آداب خان .. سپار خان همینکه عالمگیر شاه قلعه کولکنده و بیجاپور را فتح نمود سلطان ابوالحسن تاتار شاه را بمصاحبت سپار خان بدولت آباد فرستاده ابوالحسن را در آنجا محبوس کرد سپار خان پس از مراجعت بحکومت صوبداریه، حیدرآباد تعیین شد همینکه اورنگ زیب از دکن برای مقاتله با عالمگیر قیام کرد سپار خان بملازمت عالمگیر حرکت نموده در تمام جنگها با وی بوده پس از خاتمه جنگ و غلبه عالمگیر ترقی نموده و بحکومت بیدر منصوب گشت تا اینکه در سنه ۱۱۱۳ وفات نمود... (۱)

## ۳۱ - میر شهاب الدین بن خواجه قلیح خان سمرقندی

Shehab-ed-Din

در سال ۱۰۷۹ وارد هند شده جزء امرای عالمگیر شاه بود قلاع محکم متینی برای عالمگیر فتح نمود در محاصره بیجاپور از عوامل مهمه بوده است بالاخره با مساعدت محمد اعظم شاه بیجاپور مفتوح شد ولی شهرت آن فتح بنام شهاب الدین خانمه یافت در سال ۱۱۱۸ بامارت اکبر آباد و صوبداریه کجرات معین شد وفاتش در سنه ۱۱۲۲ در احمد آباد کجرات واقع شده جسدش بدلی

حمل نمودند در مقبره مخصوصی که قبلاً برای خویش در خارج شهر تهیه نموده بود مدفون گردید شهاب الدین در ادبیات فارسی وسعت داشت و گاه گاهی شعر نیز میگفت.. (۱)

### (۵) امرای معاصر محمد شاه

۳۲ - نظام الملك آصفجاه قمر الدین

Nezamel-Molk

پدرش در شهر توران از مشاهیر رجال بوده در سال ۱۰۸۲ هجری متولد شد عالمگیر ویرا قمر الدین نام نهاد تدریجاً بمنصب عالیه منصوب شد مدتی حکومت نصر آباد سنگل با وی بوده قلعه اکنکره را فتح نمود در سال ۱۱۱۸ بحکومت صوبداریه بیچاپور معین شد و پس از استیلاء محمد شاه طرف توجه آن پادشاه واقع گردیده بمقامات عالی ارتقاء یافت و در ایام معز الدین جهاندار شاه بامارت صوبداریه دکن و سرکردگی قشون کرنایک منصوب گردید سپس محمد شاه ویرا به شاه جهان آباد احضار نموده در سنه ۱۱۳۵ بحکومت احمد آباد منتوب نمود و پس از کشته شدن مبارز خان فرغانه فرمای تمام بلاد دکن گردید وفاتش در سنه ۱۱۶۱ بسن هفتاد و نه سالگی واقع شده و در بقعه برهان الدین مدفون گشت نظام الملك شخص ادیب شاعری بوده است ابتداء شاکر و بعد آصف تخلص مینمود بنای حصار برهان پور در سنه ۱۱۴۱ و تکمیل حصار حیدر آباد از آثار اوست بیت ذیل از نظام الملك است

آصف ز حدیث نبوی میکشد اینجام بی مهر علی آب ز کوثر نتوان خورد  
پسران وی عبارتند از میر محمد پناه امیر الامراء میر احمد نظام الدوله میرزامحمد  
امیر الممالک میر نظام علیخان بهادر میر محمد شریف برهان الملك میر مغل  
علی ناصر الملك

محمد حسن خان در نمره ۱۷ روز نامه شرف نظام الملك را ذکر نموده و اظهار میدارد پدران وی از عرفاء سمرقند بودند و بعضی از ایشان برتبه قاضی القضاة نایل شده اند پس از مهاجرت به هند مدتی زی خود را تغییر

ندادند بهر حال نظام الملك مزبور در موقع جنگ نادر شاه و محمد شاه حضور داشته مخدوم خویش را صمیمانه خدمتگذاری کرد (۱)

### ۳۳ - نظام الدوله

Nezamed Dow/h

میر احمد خان بهادر معروف بناصر جنک بن نظام الملك سابق الذکر بطوریکه در حدیقه العالم مذکور است نظام الدوله پس از مرگ پدر بامارت دکن منصوب شده و با اهالی بدرفتاری کرد و در سال ۱۱۶۳ با محی الدین خان در نواحی ارکان زد و خورد نموده ابتداء غلبه نمود و بالاخره مغلوب شد افغانه سر وی را بریده به نیزه کردند و یارانش متفرق شدند نظام الدوله شخص ادیب و دانشمند بوده در شعر و نقاشی و موسیقی مهارت داشت نوادر و ظرایف بسیاری از او حکایت می کنند این بیت از اوست

نمیدانم چه باشد از گلستان نفع گلچین را که میسازد روان از چشم بلبل اشک خونین را (۲)

### ۳۴ - آصف الدوله

Assefed-Dowleh

امیر الممالک صلابت جنگ سید محمد بن نظام الملك سابق الذکر حکومت حیدر آباد و صوبداریه دکن باوی بود بابر ا همه حوالی پونا زد و خورد هائی نموده آنان را مجبور بصلح و تأدیه غرامت نمود در سال ۲۱۷۵ شاه از وی رنجیده یکسال و چند ماه محبوسش نمود و در سنه ۱۱۷۷ وفات نموده در بقعه شیخ احمد ملتانی مدفون شد شرح حالش در کتاب حدیقه العالم مذکور است (۳)

### ۳۵ - نظام الدوله

Nezamed-Dowleh

میر نظام علیخان آصف جاه بن نظام الملك سابق الذکر مدتی بحکومت بعضی از بلاد منصوب بود در سال ۱۱۷۵ بحکومت صوبداریه دکن معین شد با قشون انگلیس در ابتدای ورود آنان محاربه نمود سپس در سنه ۱۱۸۲ به حیدر آباد مراجعت کرد شخص شجاعی بود و شهرهای بسیاری فتح نمود (۴)

(۱) حدیقه العالم و روزنامه شوف نمره ۱۷ (۲) و (۲) و (۴) حدیقه العالم طبع هندوستان

### از امرای نامی هندوستان

۳۶ - نظام الملک

Nezamel-Malk

میر محبوب علی خان فرمانفرمای دکن نواده میر فخر الدین نظام الملک آصفجاه محمد حسن خان اعتماد السلطنه در ضمن نمره ۱۷ روزنامه شرف شرح حال وی را ذکر نموده است خلاصه اظهارات وی آنکه در سنه ۱۸۶۹ میلادی پدرش افضل الدوله فرمانفرمای دکن وفات نمود و میر محبوب علی خان در آنموقع سه سال بود میرزا علیخان نامی از احفاد سید نعمه الله جزایری بامارت بلاد و تربیت محبوبعلی خان قیام نمود تا آنکه وی از طرف دولت بریطانیا به نیابت سلطنت دکن معین شده کفایت و لیاقت تامه از وی ظاهر شد (۱)

۳۷ - نواب تفضل

Tafazzol

حسین خان لاهوری نایب آصف الدوله یحیی خان کیمانی ویرا پناه داده بعد در سنه ۱۲۱۲ بشهر نبارس تبعید کرد وزیر علی خان باعده همراهان متفق شده بر حاکم نبارس شورید و یوا باچند نفر از انگلیسیان بقتل رسانید ولی بالاخره قشون دولتی او را در خانه اش محاصره کردند وزیر علی خان از خانه خود نقب بخارج زده و باخواص خویش نزد راجه پوتان گریخت راجه مزبور در اثر تفتین دولت بریطانی وزیر علی خان را تسلیم نمود انگلیسیان ویرا حبس نمودند و در حبس وفات نمود (۲)

## فصل سوم

امرای شیعه که در دربار های موافق مذهب و سیاست خود امارت

نموده اند

## مقدمه

بر طبق تحقیقات تاریخی رجال بزرگی بنام دعوت شیعه قیام نموده بر خلفاء شوریدند و غالباً موفق گردیده عده بسیاری کرد آنان جمع شدند از آن جمله ابوالسرایا سري بن منصور شبانی است که در سنه ۱۹۸ در کوفه برمامون عباسی خروج نمود و بنام حضرت رضا دعوت کرد و بسیاری از علویان دور او جمع شدند ابوالسرایا در کوفه و بصره و واسط پیشرفت نموده بسمت مکه رفت و در آنجا نام خود را روی پرده کعبه نقش کرد و بنام حضرت رضا سگه زد مامون حسن بن سهل را بجلوگیری او فرستاد مغلوب و مقتولش نمود دیگر ابوالحارث ارسلان ترك بساسیری غلام بهاء الدوله دیلمی است که ابتدا از امرای فسا ( از توابع شیراز ) بود وبعد بر القائم خلیفه عباسی شورید خلیفه را حبس کرد و بنام المستنصر خلیفه فاضلی مصر خطبه خواند اما بزودی طغران بیك سنجوقی منوجه بغداد گردیده ارسلان را فراری و سپس بقتل رسانید ۴۵۱ هـ دیگر امیر توزن دیلمی از امرای مشهور دیلمه است برالمتقی خلیفه عباس شوریده خلیفه از بیم وی بموصل گریخت امیر توزن الممتقی را استنمات نموده دو باره به بغداد آورد امیر توزن در سال ۵۶۸ وفات نموده در خانه خودش مدفون گردید و از آنجا جسدش را بمقابر قریش نقل دادند باری بطوریکه ذکر شد بسیاری از امراء بنام تشیع قیام نموده کم و بیش غالب یا مغلوب شدند اما نظر اینکه شیخ و صدق اظهارات آن مسلم نبوده و ممکن است مقاصد سیاسی بیشتر محرک آنان شده باشد لذا فصل مخصوصی راجع بحالات آنان ترتیب نداده فقط بشرح حالات امراء آل حمدان آل بویه آل جلایر صفویه و سایر امرای شعی ایران و هند و عراق عرب میپردازیم اطلاعات ما در اینقسمت از کتب تاریخی خطی و چاپی جم آوری شده و در صورت کسب اطلاعات جدیده شود در قسمت تنه کتاب ذکر میکنیم

## ۱- امرای آل حمدان در موصل و حلب

حکومت بنی حمدان در نواحی موصل الجزیره و تمام مدت يك قرن تقریباً امتداد یافت اولین فرمانروای این خاندان ابوالهیجا عبدالله بن حمدان والی موصل در سنه ۲۹۳ بامارت معین گشت امارت این خاندان بسعدالدوله حمدانی خانه یافت مشهورترین امرای این خاندان سیفالدوله علی بن عبدالله بن احمد بن حمدان است شرح حالات وی در جلدملوک از این کتاب چاپ طهران ذکر شده بدانجا مراجعه شود

نکارنده این اوراق بردیوان خطی از اشعار ابی فراس حارث بن سعد بن حمدان ( از امراء آل حمدان ) دست یافت ابو عبدالله حسین بن خالویه ( ۳۷۰ وفات ) بر دیوان مزبور حواشی و تعالیق ادبی تاریخی بسیاری نگاشته بود اینک بمناسبت مقام از آن دیوان مطالب چندی نقل و استخراج میشود

## ۱ - ابو فراس

## Abou-Ferass

حارث بن ابی العلاء سعید بن حمدان بن حمدون حمدانی پسر عموی سیف الدوله حمدانی است ثعالی در باره وی مینویسد: ابو فراس از حیث شجاعت و فصاحت و بلاغت و سخاوت یگانه زمان خویش بوده است صاحب بن عبّاد کراراً گفته بود که شعر عرب از پادشاهی شروع شده و پادشاهی ختم شد ( امرء القیس - ابو فراس ) متبّنی ابو فراس را به فصاحت و سخنوری ستوده بر خود مقدم میداشت ابو فراس نزد پسر عموی خویش سیف الدوله معزز و محترم میزیست سیف الدوله در جنگ ها ابو فراس را با خود برده و یا جانشین خویش قرار میداد باری ابو فراس دو مرتبه گرفتار اسارت گردید و در هر دو دفعه سالم ماند اسارت اول وی در سنه ۳۴۸ در خرشنه از بلاد روم و اسارت دیگر در ۳۵۱ در منبج اتفاق افتاد در مرتبه اخیر وی را بقسطنطنیه برده چهار سال در اسارت نگاه داشته (۱) ابن خالویه از ابو فراس مطالب ذیل را نقل میکند همینکه به قسطنطنیه رسیدم ( ابو فراس ) پادشاه روم قسمی بامن رفتار و اکرام نمود که با هیچ اسیری رفتار نمینماید مثلاً بطور معمول هیچ اسیری قبل از ملاقات پادشاه در بلاد روم حق سواری ندارد و بایستی سربرهنه در بازیگاه شهر که معروف به بطوم است حاضر شده و سه مرتبه شاه را سجده نماید دیگر آنکه شاه معمولاً در یکی از مجامع عمومی معروف به ( توری ) حاضر شده و قدم بر فرق اسیر مینهاد ولی پادشاه روم مرا از انجام تمام این مراتب معذور داشت و امر فرمود که بخانه مخصوصی جایم دهند و گهاشته ( برطسان ) برای خدمتگذاریم مأمور نمود و هر يك از اسرای مسلمانان را که مایل بودم بدان منزل که بودم انتقال دادند سپس پادشاه روم در صد گرفتن فدیّه و رهائی من برآمد اما این قضیه را ننگ دانسته از پیشدستی در استخلاص خود و واگذاردن سایر اسرای اسلام امتناع نمودم ابو عبدالله حسین بن خالویه دیوان ابو فراس را بترتیب حروف تهجی مرتب و جمع آوری نموده است بعلاوه شرح مفصّلی متناسب با مقاصد ابو فراس از خود

او وسایر معاصرین در آن کتاب نقل و درج کرده است اول کتاب مزبور چنین شروع میشود . الحمد لله الموفق للاداب الملهم بالصواب و آخر کتاب بعبارات ذیل خاتمه میابد . . اوصیک بالصبر الجمیل فانه خیر الوصیّه سید محمد معروف بامیر الحاج قصیده میمیه ابو فراس شرح نموده و در سال ۱۲۹۱ در تهران طبع شده است

### قتل ابو فراس

ابن اثیر مینویسد : در ماه ربیع الاخر ۳۵۷ ابو فراس بن ابی العلاء سعید بن حمدان کشته شد و علت قتل وی این بود که میان ابی المعالی بن سیف الدوله بن حمدان و ابو فراس مناقشه واقع شد ابوالعالی وی را احضار کرد ابو فراس اجابت او را نموده بطرف ( صدد ) که قریه از توابع حمص میباشد متوجه گردید ابوالعالی اعراب بنی کلاب و سایر قبایل را بسر کردگی قرعویه در طلب و تعاقب ابوفرّاس فرستاد قرعویه ابوفرّاس را در ( صدد ) دستگیر نمود و بیارانش امان داد سپس غلام خود را فرمان داد تا ابو فراس را بقتل رسانید جسدش را در بیابان افکنده سایر اعراب ویرا دفن نمودند و سرش را بنزد ابوالعالمی بردند با آنکه ابو فراس دائی ابوالعالی میباشد چه نیکو گفته اند که ( الملک عقیم ) ابن خلکان نقل میکند که مولد ابو فراس در سنه ۳۲۰ یا ۳۲۱ بوده است ( ۱ )

۲ - ابوالعلاء سعید بن حمدان

Abul-Ala

امیر شاعر از ملازمان مقتدر خلیفه عبّاسی بوده و نزد وی اهمیت بسیار داشت همینکه اهالی بر مقتدر شوریده بنحانه وی هجوم آوردند ابن یاقوت حاجب و حجریه فراری شدند در آن موقع ابوالعلاء بدون هیچگونه استعدادی در منزل خلیفه بود خلیفه قشون معتضدرا باعده از غلامان همراه ابوالعلاء نموده ویرا امر دفاع داد مهاجمین بابوالعلاء حمله نموده او را مجروح کردند اما او در مقابل پافشاری نموده شورشیان را فراری ساخت

(۱) شرح دیوان ابی فراس تالیف بن خالویه خطی و ۱۰ ج ۲ فوات الوفيات و ۱۲۸ ج ۲ ابن خلکان

ابوالعلاء در منزل ابن مقله وزیر با سپاهیان و سرکردگان قشون خلیفه نیز وقایعی داشته است که پس از آن در مقابل خدمات شایان خویش از طرف خلیفه بحکومت نواحی دجله تا سلمیه و امارت راه خراسان تعیین گردیده موقعی دیگر ابوالعلاء با سایر حاج عازم بیت الله بوده و بنی سلیم بقافله حاج حمله کردند ابوالعلاء مهاجین را مغلوب و مقتول نمود و شرح واقعه را برای برادر خویش نصر ابوالسرا یا که مانند ابوالعلاء از شعراء آل حمدان بوده است مفصلاً نگاشت.

ابن خالویه مینویسد ابوالعلاء در سال ۳۱۹ هجری به جهاد بار و میان شتافت و بداخله بلاد آنها رفته نفوس بسیاری را اسیر گرفت مآثرابی العلاء از شمارش افزون است مبلغ ششصد هزار دینار ضمانت قبیله بنی مزید را نموده سپس آنان را فرمان فرار داد و پس از فرار از تقصیر آنها در گذشت ...

قتل ابوالعلاء

ابن اثیر در کامل التواریخ مینویسد از جمله حوادث سال ۳۲۳ هجری آنکه ناصرالدوله ابو محمد حسن بن عبدالله بن حمدان عموی خود ابوالعلاء بن حمدان را بقتل رسانید و علت قتل وی آن بود که ابوالعلاء محرمانه از طرف خلیفه بحکومت موصل و دیار ربیع تعیین گردید و بعنوان مطالبه اموال خلیفه از برادر زاده خود ناصرالدوله بدان سمت متوجه گردید ناصرالدوله والی موصل پس از اطلاع از عزیمت ابوالعلاء و رسیدن وی در اطراف موصل از راه غیر معمولی بملاقات وی بیرون شتافت ابوالعلاء بمنزل برادر زاده در موصل وارد شده و از حال او جوفا شد گفته برای ملاقات تو از شهر خارج شده است ابوالعلاء بانتظار برادر زاده نشست ولی ناصرالدوله عده از غلامان و کسان خویش را فرستاده ابوالعلاء را دستگیر و مقتول نمودند الراضی بالله خلیفه عباسی پس از اطلاع بر قضیه خشمگین گشته ابن مقله وزیر را با عده قشون بمبارزه ناصرالدوله فرستاد همینکه سپاهیان خلیفه نزدیک موصل رسیدند ناصرالدوله از شهر خارج شده بسمت زوزان رفت ابن مقله ویرا تعقیب نموده بموصل باز گشت و مدتی در آنجا اقامت کرد سپس به بغداد مراجعت نمود علی بن خلف



بن طیب و ما کرد مبارزه کرد ولی بزودی شکست خورده فرار کرد و مجدداً برگشته در نصیبین با ما کرد بر خورد و با وی مصاف داد ما کرد شکست خورده فرار کرد ناصرالدوله بر موصل استیلاء یافت خلیفه نیز از تقصیرات وی در گذشت (۱)

۳ و ۴ - ابوالسرایا نصر بن حمدان و ابو عبدالله حسین بن سعید بن حمدان  
Abos-Saruya

باتفاق یکدیگر در موصل و دیار ربیع حکومت داشتند در همان اوقات کار ابو یوسف شاری اهمیت یافت مشایخ محلی مصلحت در آن دیدند که مبالغی بابو یوسف تأدیه نموده شر و ویرا رفع کنند ابو عبدالله از این پیشنهاد غضبناک شده عمومی خود را بمبارزه و جدال ابو یوسف ترغیب کرد سپس متفقاً بسمت شاری حرکت کردند ابو یوسف از بسیاری عده خویش مفرور شده بود و اظهار میداشت

دَعْنِي مِنَ الْبُهْمِ وَهَاتِ الْجَلَّةَ  
أَبَا السَّرَايَا وَأَبَا عَبْدِ اللَّهِ

پس از زدو خورد و سختی ابو یوسف مغلوب و دستگیر شد در هنگام مبارزه ابوالسرایا بمواظبت قشون اهتمام داشت و ابا عبدالله در میدان جنگ مبارزه مینمود

بهر حال ابوالسرایا از تمام برادران خشروتر شجاع تر و ادیب تر بوده است و هیچگاه از تحت حمایت برادر خود ابوالیهجاء خارج نگردید ابن اثیر راجع بوقایع سال ۳۱۸ مطالبی ذکر نموده که خلاصه آنرا ذیلا مینگاریم : در این سال صالح بن محمود خارجی از سنجار به شجاجیه که از توابع موصل است وارد شده و بسمت الحدیثه شتافت و مراسلاتی به اهل موصل نگاشته آنرا تمدید کرد سپس به سلامیه رفت نصر بن حمدان بمقابله وی حرکت کرد صالح از سلامیه به البوازیج عازم شد و در آنجا بایکدیگر زدو خورد نمودند نصر بر صالح ظفر یافت و ویرا با دو پسرش اسیر کرده بموصل برد و از آنجا به بغداد روانه کرد اهالی الحدیثه نیز قبلا پسر دیگر صالح موسوم به محمد را اسیر نمودند و

(۱) شرح ابن خاویه بر دیوان ابی فراس خطی است و کامل ابن اثیر

نصر بن حمدان والی موصل محمد بن صالح را از آنها گرفت (۱)

۵ - ابوالولید سلیمان بن حمدان الحرون

Abol-Valid

ابن خالویه مینویسد ابوالولید شیخ بنی حمدان بوده است و بمناسبت شجاعت فوق العاده ویرا حرون لقب داده بودند شاعر در باره وی گفته است

قَسَمَ الْمَكَارِمَ رِثَةً بَيْنَ الْمُرْزَقِينَ وَالْحُرُونِ (۲)

۶ - حسین بن حمدان (۳)

Hossein

بلاد فارس را فتح نمود سبکری را کشته و قتال را اسیر کرد اهالی فارس ۳۰۰ هزار دینار تقدیم وی نمودند که در آنجا اقامت نماید حسین امتناع نموده بموصل و دیار ربیعہ باز گشت ابو عبدالله حسین بن خالویه مینویسد که از بسیاری مردمان موثق شنیدم در خزاین حسین بن حمدان بیست طوق است که هر طوقی علامت یکی از فتوحات وی در مشرق و مغرب بوده است گویند سه مرتبه با شیر رو برو شده آن حیوان را مقتول نمود و یکمرتبه آن در حضور المعتضد خلیفه عباسی بوده است در اینموقع حسین شیر را کشته شمشیرش را با پوست آن حیوان پاک نموده و در غلاف کرد و بدون هیچگونه توجهی به خلیفه یا سایرین سوار اسب خویش گشته از میان مردم بیرون آمد در ایام حسین بن حمدان صاحب الشامه در شام خروج نموده و طایفه مهیمه از قبایل بنی کلاب با وی همدست شدند المکتفی در الرقبه توقیف نموده و عده بجلوگیری صاحب الشامه فرستاد حسین بن حمدان ویرا در السموه متعاقب نموده و یارانش را بقتل رسانید صاحب الشامه منفرداً از راه فرات متواری و فراری گشت حسین به هدایت و راه نمائی جلهمه کلبی در السموه به تعاقب صاحب الشامه حرکت کرد جلهمه از تعصب و حمیت بر طایفه خویش (بنی کلاب) حسین را جی را همه از بیابان بی آب و علفی حرکت داد حسین قضیه را درک نموده جلهمه را گردن زد ولی

(۱) و (۲) شرح ابن خالویه بردیوان ابی فراس (۳) اگر چه بایستی در ضمن امرای بنی عباس درج شود ولی بمناسبت شرح حالات خاندان بنی حمدان در اینجا ذکر نمودیم

بسیاری از همراهان حسین از بی آبی هلاک شدند  
 در ایام المعتضد هرون الشّاری شورش نموده و کارش را بالا گرفت بدر وزیر  
 المعتضد عباسی خلیفه را باعزام حسین بن حمدان اشارت نمود خلیفه حسین و موش گیر  
 را بدفاع و مبارزه هرون فرستاد حسین بر موش گیر تقدم جسته هرون  
 را اسیر و دستگیر ساخته به نزد خلیفه اعزام داشت و یاران ویرا بقتل  
 رسانید از طرف دیگر موش گیر چون وارد موصل شده حسین را نیافت فوراً  
 مراسله به خلیفه نگاشته حسین را به پیشدستی و سازش با هرون متهم کرد  
 خلیفه از این مطلب در غضب شده بکشتن حمدان بن حمدون پدر حسین فرمان  
 داد ولی پدر ویرا از این حرکت باز داشت اتفاقاً پس از چند روزی حسین بطوریکه  
 سابقاً ذکر شد هرون را دستگیر نموده وارد بغداد شد المعتضد از مقدم حسین مسرور شده  
 ابن اثیر در کامل التواریخ ضمن حوادث سال ۳۰۳ چنین مینویسد : در این  
 سال حسین بن حمدان در الجزیره برالمقتدر عباسی یاغی شد علی بن عیسی وزیر  
 خلیفه رائق کبیر را بمبارزه حسین فرستاد حسین با ۲۰ هزار نفر سوار بارائق  
 بر خورده ویرا در اطراف دجله محاصره کرد و کار را بروی دشوار نمود وزیر  
 خلیفه به مونس که آن موقع در شام بود نامه نگاشت و او را بجلوگیری از حسین  
 مأمور نمود مونس بسمت الجزیره حرکت کرد حسین از عزیمت مونس اندیشیده  
 و بسمت دیار ربیعہ حرکت کرد مونس نیز به تعاقب حسین شتافت در مقابل  
 جزیره ابن عمر او تراق کرد حسین با اولاد و اطفال خویش بسمت ارمنستان  
 فرار کرد سپاهیان مونس ویرا تعقیب کردند تا آنکه در تپه فافان به حسین  
 ملحق شدند حسین اهالی فافان را کشته و آنجارا سوزانید سپاهیان مونس در  
 تعقیب او کوشش کردند تا آنکه جمیع همراهانش فراری شده و بالاخره خودش  
 با تمام خانواده و پسرش عبدالوهاب اسیر شدند مونس آنها را با خود به بغداد  
 آورد در بغداد حسین و پسرش را بر شتر سوار نموده کلاه بلند و لباس موئی  
 قرمز بانها پوشانیدند و نزد زیدان القهرمانه حبس کردند سپس المقتدر ابی الهیجاء  
 بن حمدان و سایر برادران او را دستگیر نموده محبوس نمودند در آن موقع بعضی  
 از فرزندان حسین فرار کرده بودند خلیفه عدّه به تعاقب آنها فرستاد و علی بن

حسین را کشته سرش را به بغداد فرستادند (۱)  
Abou-Soleiman

۷ - ابو سلیمان داود بن حمدان المزرقن

ابو سلیمان با پدرش ابی‌الهیجاء در جنگ یوم‌العقبه حضور داشته است و چون در آن روز نیزه‌ها را مقابلہ مینمود و باو هیچ اثری نمیکرد بدانجهت المزرقن لقب یافت گویند جای بیست و چهار زخم شمشیر در يك دستش دیده میشد و عبدالله بن مزروع جیانی ضربتی به سینه ابوسلیمان در آن روز وارد آورد که نزدیک بود ویرا هلاک کند ابن خالویه مینویسد راجع به موقعیت ابوسلیمان و ابو‌الهیجاء در جنگ یوم‌العقبه از عدّه مشایخ عرب که حاضر در واقعه بودند سؤالاتی نمودم جواب دادند که او لروزمیدان کار زار بدست ابوسلیمان و در آخر روز بتوسط پدرش ابی‌الهیجاء اداره میشد گویند ابوسلیمان اسبی داشته که مانند خود او در مقابل تمام سختی‌ها از زخم و جراحات مقاومت میکرد المقتدر خلیفه عباسی آن اسب را خواسته بروی سوار شده و میگفت من مزرقن هستم یکی از شعراء در هجو یاره مردم اشعار ذیل را گفته که بمناسبت نام مزرقن در اینجا ذکر مینمائیم

لو کُنتَ فی مِثی اَلْفِ جَمیعِهِمْ      مثل لَمَزْرَقِن دَاوُدِ بْنِ حَمْدَانَ  
وَ تَحْتِکَ لَرِیحٌ تَسْفِی حَیثُ تَأْمُرُهَا      وَ فی یَمِینِکَ مَاضِ عَیْرُ حَوَّانِ  
لَکُنْتَ اَوَّلَ فَرَّارٍ اِلَى عَدَنِی      اِذَا تَحَرَّکَ سَیْفٌ فِی خُرَّاسَانَ

۸ - ابو عبدالله حسین بن سعید بن حمدان

Abou-Abdullah

ابن خالویه مینویسد که عدل بن مهدی باعدّه بسیاری به نصیبین هجوم نمود و خزاین ناصرالدوله را که در آن محل بود متصرف شد ابو عبدالله با غلامان خویش به نصیبین عزیمت کرده عدل را اسیر نموده به بغداد نزد ناصرالدوله فرستاد و ناصرالدوله ویرا نابینا کرد

ابن اثیر مینویسد که در سال ۳۳۱ حسین بن سعید بن حمدان بر عدل ظفر یافته اورا نابینا کرد و بمدائن اعزام داشت (۲)

(۱) و (۲) شرح ابن خالویه بردیوان ابی فراس و کامل ابن اثیر

۹ - یحیی بن علی بن حمدان

Yah ya

علی بزرگترین فرزندان حمدان بوده است ولی در جوانی وفات نمود پسرش یحیی نزد عم خویش حسین بن حمدان احرام شایان داشت و حسین ویرا با خود برابر میدانست (۱)

۱۰ - ابوالیقظان عماره بن داود بن حمدان

Abol-Yaghzan

ابن خالویه مینویسد که ابوالیقظان بر تمام عرب از حیث سخاوت و شجاعت برتری داشت (۲)

ابو وایل برادر عماره از سواران نامی عرب بوده است و در حضور سیف الدوله با (ازراریس) پهلوان فارس در روز نوروز مبارزه نموده ویرا مغلوب نمود ابو وایل بحکم امیر الامراء بوده (۳)

۱۱ - ابو زهیر مهلهل بن نصر بن حمدان

Abou-Zoheir

از رجال نامی شجاع و شاعر بوده است شازی را در دیار ربیعہ اورا مغلوب و دستگیر نمود اشعار ابو زهیر بسیار نمکین و اغلب در مکاتبات با ابوفراس انشاء شده است (۴)

۱۲ امیر الامراء بن رائق بن حمدان امیر بصره و واسط

Emirel-Omera

ابن رائق اول کسی است که دو سال ۳۲۴ با امر الراضی بالله بامیر الامراء لقب یافت و بنام وی در منبرها خطبه خواندند ویرا سلطان بغداد و ملک بغداد نیز میگویند این لقب تا سنه ۴۹۴ در آل بویه موجود بود از آن پس بسلاجقه منتقل گردید و طغرل بیک سلجوقی اولین امیر سلجوقی بوده که بلقب امیر الامرائی ملقب شد آل بویه در ایام عظمت و اقتدارشان امیر الامراء را باختیار خود انتخاب مینمودند فقط انتخاب و تعیین لقب رئیس الرؤساء برای خلفاء باقی مانده بود (۵) (حالات ابن رائق مفصلاً در کتاب کامل ابن اثیر و غیره ذکر شده است)

(۱) - (۴) شرح دیوان ابی فراس تألیف ابن خالویه (۵) تاریخ تمدن اسلامی ص ۱۳۶ ج ۱

۱۳ - هبة الله بن ناصر الدولة بن حمدان

Hebatollah

ابن اثیر مینویسد در سال ۳۵۲ اهلای حرّان بر حاکم خود هبة الله بن ناصر الدولة شوریدند زیرا مشارالیه از طرف عموی خود سیف الدولة بر حرّان و سایر بلاد مصر حکومت داشت اما با اهالی بد رفتاری نموده و بر آنها تعدی و سخت گیری مینمود موقعی که هبة الله در حلب نزد سیف الدولة بود اهالی حرّان بر نواب وی شورش کرده و آنها را اخراج نمودند هبة الله از قضیه خبر دار گشته به حرّان آمد و مدت دو ماه با آنها زد و خورد کرده عدّه بسیاری کشته شدند سیف الدولة وخامت اوضاع را متذکر شد و به حرّان آمده بوسیله مکاتبه اهالی را آرام نموده با آنها صلح کرد اهالی در های شهر را گشودند و هبة الله وارد حرّان شد عدّه از سر کردگان انقلاب از اسم هبة الله فرار کردند ابن اثیر نیز مطالبی راجع به هبة الله مینویسد که ما خلاصه آنها ذیلاً مینگاریم سیف الدولة چندی بیمار شد هبة الله بگمان اینکه عموی او خواهد مرد این رنجای نصرانی را که از ملازمان خواص سیف الدولة بود بقتل رسانید زیرا ابن رنجاری متعرض غلام هبة الله گردیده بود و ابن مطلب بر هبة الله گران میآمد اتفاقاً سیف الدولة بهبودی یافت هبة الله از ترس عمو به حرّان فرار نمود و خبر مرگ سیف الدولة را منتشر کرد اهالی با هبة الله متحد شده برای سلطنت وی قسم خوردند سیف الدولة غلام خود نجا در تعقیب هبة الله فرستاد هبة الله بموصل نزد پدرش ناصر الدولة فرار کرد نجا وارد حرّان شده اهالی آنجا را به يك مليون درهم مصادره و جرمه نمود (۱)

۱۴ - امیر بدرالدین ابوالمحاسن يوسف بن سیف الدولة

Yousef

بن زماح بن برکه بن ثمامة ثعلبی حمدانی مهندار که در اواخر قرن هفتم هجری وفات نموده از ادبای عصر خویش بوده و در فهرست کتابخانه خدیوی مصر کتاب ازالة الالباس في الفرق بين الاشتقاق والجناس که خاتمه آن رساله در بعض

(۱) شرح دیوان ابی فراس تألیف ابن خالویه و کامل ابن اثیر

بلاغت قرآن مجید قرار گذاشته است نسبت بایشان داده شده است (۱)

۲ - امراء کاکویه زادگان سلاطین دیلمه در ایران

### مقدمه

دولت دیلمه آل بویه در سنه ۳۲۵ تأسیس شده و در سنه ۴۴۷ منقرض گشته بصفحه ۵ - ۱۲ از جلد چهارم این کتاب که بطبع رسیده ملاحظه شود - شرح حالات و زرای آنان در فصل دوم این جزء نیز ذکر نمودیم ولی از حالات امرای برجسته این دولت چیزی در دست نیامده است جزو حالات امرای کاکویه که دانی زادگان آنها بوده اند و حکیم دانشمند ابی علی احمد بن محمد معروف بابن مسکویه مؤلف کتاب الفوز الاکبر والفوز الاصغر و کتاب طهارت الاعراق که خازن عضدالدوله دیلمی بوده است و نظر باینکه ایشان مظنون التشع و التسنن بوده است لذا شرح حالات وی در فصل خود از کتاب مزبور کاملاً ذکر نمودیم و حالات امرای کاکویه مختصراً در اینجا مینگاریم

دیلمه دانی را کاکویه گویند نخستین امیری که از این خاندان امارت و اشتهار تام یافت ابو جعفر محمد حسام الدوله دانی زاده مجد الدوله بن فخر الدوله دیلمی نسب این سلسله به پادشاهان دیلمه منتهی شده و از ملحقات آن سلسله محسوب میشوند مؤلف جهان آرای فارسی و سایر مورخین شرح حال آنان را ذکر نموده اند

۱ - ابو جعفر محمد حسام الدوله

Abou Djafar

در سال ۳۹۸ نزد مادر مجد الدوله آمده و از طرف مشار الیها بحکومت اصفهان تعیین گردید و در سال ۴۱۴ بحکومت همدان نایل شد از مردمان دانشمند برتر عصر خویش بوده است دختر سلطان مسعود غزنوی را تزویج کرد و با علاء الدوله زد و خورد نموده وفاتش در سنه ۴۳۳ واقع شد (۲)

۲ - ظهیر الدین ابو منصور فرامر زین حسام الدوله

Zahired-Din

بعد از وفات پدر بامارت رسید برادرش گرشاسب نهاوند و توابع آن ناحیه را متصرف شد ظهیر الدین گاهی به سلاجقه و گاهی بابی کالیجار والی شیراز ملتجی گشت بالاخره ابوکالیجار در اصفهان مابین دو برادر اصلاح نمود (۳)

۳ - ابوکالیجار گرشاسب بن علاء الدوله بن کاکویه

Abou Kalijar

در زمان پدر حکومت همدان و توابع با وی بود همینکه سلاجقه در سنه ۴۲۷

امراء کاکوبه - علاء الدوله - فرامرز - امرای ایلخانی - امیر حسین بیگ (۱۹۱)

بلده مزبور را متصرف شدند ابو کالیجار نزد فلاستون حاکم شیراز رفت و از طرف او بحکومت اهواز تعیین شد در سال ۴۳۶ همدان را مسخر نموده عمال طغرل را اخراج کرد و بنام خویش خطبه خواند وفاتش در ۴۴۳ هجری واقع شد (۱)

۴ - علاء الدوله بن فرامرز بن علاء الدوله

Alaed-Dowleh

بعد از پدر حکومت یزد و توابع باوی بود در موقع جنگ بر کیارق با مادرش (علاء الدوله) کشته شد (۲)

۵ - فرامرز بن علی

Feramérez

مادرش ارسلان خاتون دختر جعفر بیگ عمه سلطان ملکشاه سلجوقی است مشارالیه از زنان دانشمند با معلومات بوده پسرش فرامرز ابتداء در تحت نظر القائم خلیفه عباسی میزیست نزد سلاطین سلاجقه مخصوصاً سلطان سنجر تقرب مخصوص داشت در موقع جنگ سلطان مزبور با قراخطای بتاریخ ۵۳۶ کشته شد حصار اطراف شهر مشهد رضوی از آثار فرامرز است و در سال ۵۱۵ با تمام رسید از فرامرز دو دختر باقی ماند که پیاداش خدمات پدر از طرف سلطان سنجر بحکومت یزد رسیدند بهر حال امراء و حکام خاندان کاکوبه فراوان و در تاریخ جهان آراء شرح حال آنان مفصلاً مذکور است بدانجا مراجعه شود (۳) ...

۳ - امرای ایلخانی آل جلایر در عراق عرب و ایران

پادشاهان آل جلایر از ۷۲۶ تا ۸۱۳ حکومت نموده اند بصفحه ۴۴ از مجله ملوک امامیه مراجعه شود

امیر حسین بیگ بن علی الجلایر

Emir Hussein

از امرای شجاع مشهور دوره شاه بابر بهادر بوده است از شعر و ادبیات بهره کافی داشت غازی سمرقندی در اواخر تذکره خویش شرح حال وی را ذکر نموده و قسمتی از اشعار آن را درج مینماید و این بیت از اوست

• زباغ حسن مگر سرو قامتی برخاست که در میانه مردم قیامتی برخاست (۴)

(۱) - (۲) جهان آراء (۴) تذکره سمرقندی



۲ - امیر شیخ حسن الصغیر

Emir Sheikh Hassan

بن امیر تیمور تاش بن امیر چوپان امیرالامراء

از اسراء دوره سلطان محمد خدا بنده است در اوایل سلطنت وی حکومت ارزنة الروم را عهده دار بود سپس به شیخ حسن کبیر والی خاندان ایلخانیه خروج نموده بر آذربایجان دست یافت شیخ حسن کبیر در آتوموق در بغداد میزیست و همانجا اسباب چینی نموده شیخ حسن صغیر را بقتل رسانید ۷۴۴ (۱)

۳ - ملک اشرف بن تیمور تاش

Melek Ashraf

بعد از برادر بامارت نایل شد جانی بیک خان از اولاد جوجی خان از راه دربند بر وی خروج کرد و در سال ۷۷۹ وارد تبریز شده ملک اشرف را مقتول و اموالش را به یغما برد (۲)

۴ - یوسف شاه

Yousef Shah

بن سلطان احمد بن سلطان اویس بن شیخ حسن کبیر مدتی از طرف پدر در بغداد امارت داشت (۳)

۵ - سلطان اویس

Sultan Oveiss

بن شاه ولد بن شیخ علی بن سلطان اویس در شوشتر و بصره و واسطه امارت داشت (۴)

۶ - سلطان محمود بن

Sultan Mahmood

شاه ولد بن شیخعلی در بصره و شوشتر و واسط حکومت داشته است و مدتی در نجف و کربلاء و حله نیز امارت مینمود (۵)

۴ - امراء سربداریه در خراسان و جوین و اسفراین و غیرها

سربداریه از ۷۳۶ تا ۸۸۴ در آن نواحی حکومت داشته اند حالات و تاریخ آنان از سفر نامه بن بطوطه و تذکره سمرقندی در صفحه ۴۹ - ۵۲ از مجلد ملوک امامیه ذکر شده است

۱ - الامیر شاهی اقلک بن ملک جمال الدین

Ghamlek

الفیروز کوهی سبزواری خواهر زاده خواجه علی مؤید است که مشار الیه آخرین پادشاه خاندان سربداریه است امیر شاهی در سبزواری تولد و نشو و نمو نمود وفاتش در استرآباد در سن ۷۰ سالگی بتاریخ ۸۵۷ واقع شد جسدش را بسبزواری حمل نموده و در خانقاه پدران امیر شاهی دفن کردند امیر شاهی از فضلاء و دانشمندان معاصر خویش بوده در نقاشی و موسیقی مهارت کامل داشت شعر نیکو میگفت خطش بسیار زیبا بود حسن محاضره و مصاحبه وی شهرت دارد

همینکه سلطنت سربداریه منقرض گشت امیر شاهی در عهد میرزا شاهرخ گورکانی بملازمت بایسنغر اشتغال یافت و از طرف بایسنغر بامارت پاره از مستملکات سربداریه تعیین گشت و مورد نوازش واقع شد ولی امیر شاهی از امارت و حکومت کناره گیری نموده به تحصیل علم و ادب پرداخت و مجلس علمی آراسته بمصاحبت دانشمندان اشتغال یافت دیوان شعر امیر شاهی موجود و غزلیاتش در نهایت لطافت است

روزی در مجلس یکی از سلاطین وارد شده مورد بی احترامی واقع گردیده ویرا در صف نعال جای دادند امیر شاهی ایسات ذیل را بدان مناسبت انشاد نموده است .

شاهها مدار چرخ فلک در هزار سال  
چون من چگانه نماید بصد هنر  
گر زیر دست هر کس و ناکس نشانیم  
اینجا لطیفه ایست بدانم من این قدر  
بحریست مجلس تو در بحر بی خلاف  
لؤلؤ بزیر ماند و خاشاک بر زبر

سمرقندی قسمتی از اشعار امیر شاهی را در تذکره خویش ذکر نموده است (۱)

(۱) تذکره سمرقندی طبع لیدن و تذکره هفت اقلیم خطی

۵ - امراء دوره صفویه - از خاندان صفویه و غیره

۱ - بهرام میرزا پسر شاه اسمعیل

Bahram Mirza

که از جمله ادباء و دانشمندان عصر خویش بوده در سال ۹۵۶ وفات نموده  
آذربیکدلی در آتشکده نام او را برده و گفته که بجزوده قلم و انشاد شعر  
معروف بوده (۱)

۲ - ابراهیم میرزا بن بهرام میرزا بن شاه اسمعیل صفوی

Ebrahim Mirza

در مشهد و توابع آن شهر حکومت داشت از شاهزادگان دانشمند بشمار میرود  
در شعر بجا می‌نموده از علم فقه و اصول و حدیث و تاریخ و انساب بهره  
وافی داشت بازی شطرنج میدانست رنگرزی نقاشی مذهب کاری صحافی نیکو  
میدانست در نواختن عود استاد بود در سن ۴۴ سالگی بامر پدر کشته شد  
جنازه اش را از قزوین بمشهد حرم نموده درین راه حرم دفن کردند (۲)

۳ - الفاس میرزا پسر شاه اسمعیل صفوی

Alghass Mirza

در زمان پادشاهی برارد خود شاه طهماسب بادولت عثمانی و برعلیه او قیام نمود  
در سال ۹۴۰ در مشهد وفات نمود شعر نیکو میگفت (۳)

۴ - سام میرزا پسر شاه اسمعیل صفوی

Sam Mirza

از پیشوایان ادباء عصر خویش بوده بسامی تخلص مینموده از آثار وی کتاب  
تحفة السامی در حالات شعرای عصر خود تألیف کرده است ۶

خواجه محمد شریف هجری

Mohamed Sherif

ادیب و شاعر بوده است ابتداء در خدمت سلطان محمد خان و پسرش عراق

(۱) آتشکده ۱۴ طبع بجای (۲) مطلع الشمس در تاریخ ارض اقدس ج ۲ و آتشکده ۱۵

(۳) آتشکده ۱۸

خان «بزیست بالاخره بخدمت شاه طهماسب پیوست و از طرف وی بحکومت یزد و ابرقوه تعیین شد شرح حال او در تذکره هفت اقلیم مذکور گردیده و قسمتی از اشعارش نیز مندرج است از آنجمله

من آنستکه که نقصان نپذیرد هرگز  
مهر آنستکه یکذره تنزل نکنند

خواجه غیاث الدین محمد وخواجه محمد هر دو پیران خواجه محمد شریف از ادبای نامی دوره صفویه بودند و همچنین برادرش خواجه احمد از شعراء و ادبا مهم محسوب میگردد امین احمد رازی صاحب کتاب هفت اقلیم فرزند خواجه احمد در کتاب هفت اقلیم ضمن حالات شعراء وادباء شرح حال آنها را نیز ذکر نموده است

### مسیب خان بن محمد خان شرف الدین اوغلی (۱)

Mossayeb-Khan

از اعظام امراء در علم موسیقی و نظم اشعار بهره کامل داشت رضا قلیحان درذیل کتاب روضةالصفاء شرح حال ویرا ضمن معاصرین صفویه ذکر نموده است (۲)

### اسکندر بیگ مؤلف کتاب عالم آراء

Eskander Beik

از نویسندگان و ملازمین شاه عباس کبیر صفوی بوده و پیوسته در سفر و حضر با شاه عباس مصاحبت داشت متأسفانه شرح حال مشارالیه در هیچیک از کتب موجوده دیده نشد و فقط بذکر آثار قلمی وی میپردازیم

۱ - تاریخ عالم آرا در حالات سلاطین صفوی تا زمان شاه عباس کبیر در سنه ۱۳۱۴ این نسخه در طهران بطبع رسیده است نسخه خطی نفیس از این کتاب در کتابخانه سلطنتی تهران دیده شد و نسخه دیگر در کتابخانه حالت افندی در اسلامبول موجود میباشد

از عالم آرا یازده رساله کوچک فارسی باقیمانده که نزد سردار حیدر علیخان کابلی مقیم کرمانشاه دیده شد شرح آن بقرار ذیل است

۱ - مرآت المذاهب در اثبات حقیقت ائمه ابتدای کتاب: « صنوف حمد مبری از مذاهب آنها عندلیب حمد و ثنا لائق شاخسار زبان هست ... »

۲ - مرآة الكرامه در کرامت اولیاء شرحی راجع بمشایخ صوفیه نیز در آن کتاب مندرج است اول آن : بعد الحمد لله

۳ - هشت بهشت در مطالب عرفانی

۴ - مسائل سبعة اول آن : لآلی حمد عالی و جواهر صلوات متعالی

۵ - مرآة التقی در تجوید و پاره حکایات اخلاقی اول آن : حمدی که شیرازة مجموعہ مخلوقات منوط

۶ - مرآة الحقیقه در شرح اصطلاحات عرفاء از خط و خال و شقیقه و غیره اول آن : حمدیکه نکات آیات آن در متون صحف الواح نکنجد . . . .

۷ - رساله در علم عروض و قافیه اول آن : حمدی که عروض آن از حدود و جواهر و اعراض و اوزان و کمیات . . . .

۸ - منتخب اخلاق ناصری تألیف خواجه طوسی اول آن : اما بعد بر ارباب بصائر پوشیده نماید

۹ - منتخب روضة الشهداء اول آن ( ای لطف و عطای تو بنای هستی وی حمد و ثنای تو بقای هستی )

۱۰ - مرآة الارواح اول آن : حمد زائد از قواعد عقاعد و صاعد ز جرائد قواعد . . .

۶۱ - شرح کلام دقوقی که ملای رومی در مثنوی بآن اشاره کرده است اول آن : الحمد لولایه والصلوة علی نبیة اما بعد توضیح کلام دقوقی رحمه الله که مولوی معنوی . . .

## ۱ - موالی آل مشعشع امرای صفویه در اهواز و حویزه

از سنه ۸۱۴ تا ۱۰۲۵ طایفه بنام آل مشعشع از سادات عرب در اهواز و حویزه و غالب نقاط خوزستان مستقلاً حکومت داشته پس استقلال آنها از بین رفته از طرف پادشاهان صفویه در آن نواحی امارت نمودند اولین پادشاه این سلسله فلاح بن محمد در سنه ۸۵۴ وفات نمود فلاح و پسرانش مشهور بموالی از غلاة شیعه و در تردستی و نیرنگ اشتها داشتند اقمندی در ریاض العماء مینویسد آل مشعشع از غلاة شیعه بودند و شمشیر را میخوردند در عصر حاضر یکی از آن خاندان بخدمت پادشاه آمده در حضور شاه و عده دیگر شمشیری را شکسته و خورد اینطایفه را بواسطه انتساب بجدشان آل مشعشع میگویند .

ضمن صفحه ۵۸ - ۶۰ از کتاب سلاطین شیعه منطبعة طهران شرحی راجع بآل مشعشع و سلاطین آنان ذکر شد مطالب مذکوره در آن کتاب از تحفة الازهار و زلال الانهار تألیف ضامن بن شدم و کتاب رض العلماء اقمندی و کتب بسیار دیگری نقل شده است که نسبتان بعد الله هوکلانی فرزند امام موسی کاظم منتهی میشود فلاح بن محمد فقط در حویزه حکومت مینمود

و در سنه ۸۵۴ درگذشت بعد از او فرزندش محمد بن فلاح ملقب به مهدی بر اهواز و سواحل فرات ناحله استیلاء یافت محمد بن فلاح از غلاة شیعه بوده مخصوصاً به نجف مافرت کرده اطراف ضریح مرقد مطهر را سوزانید و اظهار مبداشت حضرت امیر خدا بوده و خدا نمیرد بهر حال محمد بن فلاح در علوم غریبه اشتها داشت و از شاگردان احمد بن فهد حلی است پس از مرگ محمد پسرش محسن بن محمد بن فلاح حکومت نمود و شهر محسّیه را بنا نهاده و در آن توطن کرد سیدین مهنا کتاب عمده الطالب در انساب ابناء علی بن ایطالب را برای وی تالیف کرد پس از محسن دو پسرش علی و ایوب حکومت نمودند و بعد از آنان عبدالمطلب بن حیدر بن محسن بن مهدی بن فلاح به حکومت رسید سید علی خان بن خلف بن عبدالمطلب مجموعه از منتخبات خود تالیف نموده بخدمت شیخ علی سبط شهید ثانی ایفاد داشت مؤلف مذکور در آن مجموعه مینویسد عبدالمطلب اولین حکمرانی بوده که از آنخانواده اظهار تشیع کرد (بصفحه ۵۹ شرح حال سلاطین شیعه مراجعه شود) بهر حال عبدالمطلب مساجد و مدارس چندی بنا کرد امراء و ادبای از اطراف بخدمتش شتافته کمال الدین حسن بن محمد استرآبادی نجفی کتاب شرح حال خواجه طوسی را بنام وی تالیف کرده است - پس از مرگ عبدالمطلب پسرش مبارک حکومت نمود بررامهرمز و دزفول و بنادر دست یافت بسیاری از امراء و اشراف جزیره را بقتل رسانید و در سال ۱۰۰۲ شیخ عبداللطیف جامعی عاملی را و عدّه از علماء و اهل تقوی را دعوت کرد تا باهالی اصول مذهب شیعه را تعلیم دهند - اسکندر بیک در عالم آراء مینویسد بلاد دورق در ایام شاه طهماسب تحت نظر امراء قزلباش حکام کیلویه اداره میشد پس از مرگ شاه طهماسب سید مبارک دورق را جزء قلمرو خود نمود و همینقسم در دست موالی اداره میشد تا در سال ۱۰۲۹ سید راشد کشته شده سید سلامه بران نواحی استیلا یافت ولی امام قلیخان بعد از زد و خورد بسیاری دورق را از تصرف سید سلامه خارج نمود سید مبارک در سنه ۱۰۲۵ درگذشته و حکومت آل مشعشع بدست سلاطین صفویه خاتمه یافت ولی اولاد آنان از طرف حکومت داشتند - تا آنکه در سنه ۱۳۰۰ حکومت آل مشعشعی به بنی کعب منتقل یافته و آنان از طرف حکومت مرکزی ایران در آن نواحی فرمانروائی داشتند آخرین حاکم بنی کعب در عصر حاضر خائن وطن و دین خزعل بن جابر است نظر به تغلف از او امر دولت دستگیر شده و فعلاً در طهران محبوس است و باین ترتیب فرمانروائی بنی کعب نیز خاتمه یافت

### ۱ - مولی خلف بن مطلب بن حیدر بن محسن

#### Movla Khalaf

امیر عالم بزرگواری بوده و تا اندازه تمایل بمتصوّفه داشته است فرزندش سید علیخان در مجموعه منتخبی شرح حال پدر را ذکر کرده و تقدیم شیخ علی سبط شهید ثانی نموده است و افندی نیز در ریاض العلماء قسمتی از حالات مولی خلف را متعرض گشته و بطور خلاصه افندی و سید علی خان پس از آنکه قدری مولی خلف را بصلاح و فضیلت ستوده اند اظهار میدارند همینکه برادر بر وی غلبه نمود و چشمانش را نابینا ساخت مومی الیه به جمع آوری آثار علمی و ادبی و مادی پرداخت

## مؤلفات مولی خلف قبل از نابینائی

- ۱ - کتاب حق الیقین فی علم السلوک والطریقه مجموعه ایست که مأخذ آن احادیث ائمه اطهار میباشد مشتمل بر پانزده هزار بیت تقریباً از ترهات متصوفه راجع به حلول و خلق و غیره نسخه خطی آن کتاب که در زمان حیات مؤلف بتاریخ ۱۰۸۰ بمحظ عبد النبی بن ناصر خاتمه یافته در کتابخانه آل السید عیسی العطار در بغداد موجود است و بر طبق مندرجات پشت کتاب سید شبر بن محمد بن ثنوان در سنه ۱۱۵۵ کتاب مزبور را مالک بوده است و ابتدای آن چنین شروع میشود الحمد لله رب العالمین نور الانوار الغامر سبحانه وجوده.....
  - ۲ - کتاب الحق المبین مشتمل بر هشت هزار بیت در معرفت علم منطق و کلام دارای چند مقدمه است
  - ۳ - سبیل الرشد در صرف و نحو و اصول و فروع مشتمل بر شش هزار بیت
  - ۴ - سبیل الرشد در شرح زیارت امام حسین علیه السلام در روز عرفه کتاب مزبور مشتمل برده هزار بیت و بنا بخواهش میرزا محمد استرآبادی در مکه تالیف شده است
  - ۵ - النهج القویم فی کلام امیر المؤمنین این کتاب مشتمل بر قسمتی از بیانات امیر (ع) میباشد که در نهج البلاغه جمع آوری نشده است (نا تمام)
  - ۶ - البلاغ المبین مشتمل بر احادیث قدسی منزله بر انبیا (ع) و حکم و مواظب و کلمات ائمه اثناعشر و پاره از امثال و غیره
- (مؤلفات مولی خلف پس از نابینائی که بمساعدت پسرش سید علیخان تالیف نموده است).
- ۱ - فخر الشیعه مشتمل بر هشت هزار بیت در فضایل و معجزات علی امیر المؤمنین
  - ۲ - سیف الشریعه در مطاعن دشمنان علی مشتمل بر ۲۳ هزار بیت
  - ۳ - الحججه البالغه در اثبات خلافت امیر المؤمنین از آیات قرآنی و آثار نبوی مطابق روایات اهل تسنن و تشیع مشتمل بر ۱۵ هزار بیت
  - ۴ - برهان الشیعه در اثبات امامت علی (ع) به براهین عقلی و نقلی از طریق عامه و خاصه مشتمل بر چهل برهان و چهل مجلس تقریباً ۳۰ هزار بیت

۵ - سفینه النجاة در مناقب علی (ع) و ائمه اطهار مشتمل بر ۱۰ هزار بیت.  
 ۶ المودّة فی القربی در فضایل فاطمه زهراء سلام الله علیها و ائمه دوازده گانه  
 و تاریخ ولادت و وفات و ردّ بر سایر شیعه امامیه که قائل به تمام ائمه دوازده گانه  
 نیستند مانند زیدیه و کیسانیه و واقفیه و غیره ....

۷ - خیر الکلام فی المنطق و الکلام مشتمل بر ۲۷ هزار بیت در کتاب مزبور  
 نیز از ائمه اطهار و حضرت قائم آل محمد علیه السلام ذکر شده است

۸ - رسائل اثنا عشری در طهارت و صلوة

۹ - رساله دلیل النجاح در ادعیه

۱۰ - کتاب الدروع الواقیه در ادعیه

۱۱ - دیوان اشعار عربی و فارسی

فرزندش سید علیخان یاره از قری و قصبانیکه مولی خلف احداث کرده ضمن  
 شرح حالات وی ذکر مینماید

افندی مینویسد قصبه خلف آباد که از قصبات معموره این دوره است ظاهراً  
 از ابنیه مستحدته مولی خلف میباشد

سید شهاب الدین در مرثیه مولی خلف قصیده گفته که مطلعش این است :

هُوَ الْمَرْءُ يَوْمَ الْحَرْبِ تَثْنَى جُرَابُهُ عَلَيْهِ وَفِي الْمَجْرَابِ يَعْرِفُهُ الذِّكْرُ (۱)

۲ - منصور بن المطلب بن حیدر بن محسن بن محمد بن

Manssoor

در سال ۱۰۳۲ قیام سلطنت شاه صفی بن شاه عباس ثانی بحکومت خوزستان منصوب  
 گردید سپس وی معزول گشته برادرزاده اش محمد بن مبارک بجای او تعیین گشت  
 و در سال ۱۰۴۴ بر برادرزاده اش استیلاء یافته ویرا نابینا ساخت و تا سال  
 ۱۰۵۵ حکمرانی نمود همانموقع عدّه از اعراب بروی شوریده و نزد شاه عباس  
 ثانی از او شکایت کردند شاه عباس منصور را احضار و در شهر مشهد حبس نمود  
 و تا آخر عمر محبوس بوده همانجا وفات کرد در اطراف حرم مطهر مدفون گردید  
 برکت و اسحق و طالب و ناصر و غالب و هاشم پسران منصورند که ضامن بن شدقم  
 از ایشان نام برده است (۲)

(۱) مجموعه سید علیخان و ریاض العلماء افندی و تحفة الازهار ضامن که هر سه خطی است (۲) تحفة الازهار



۳ - برکة بن منصور بن عبدالمطلب

Berket

بنا بنخواهش اعراب و امر شاه عباس ثانی در سال ۱۰۵۵ پس از حبس پدر امارت یافته مدت شش سال حکومت نمود و بالاخره در مشهد محبوس ماند شعراء عرب در ایام حکومت برکت قصایدی در مدایح او سرانیده اند من جمله قصیده سید شهاب الدین احد بن ناصر بن حویزی که مطلع وی این بیت است

لله در جمالیها من زائر  
رسم النجیال مثالها بتصویری (۱)

۴ - ناصر بن مبارک بن عبدالمطلب

Nasser

ضامن بن شدم مینویسد مشار الیه امیر شجاع باسختی بوده است پدرش ویرا بعنوان وثیقه نزد شاه عباس فرستاد ناصر مورد الطاف شاهانه واقع گردیده و بشرف مصاهرت شاه مفتخر شده بعد از وفات پدر هفت روز امارت نموده بدست راشد بن سالم مسموم شد بنا بقول صاحب کتاب عالم آراء حکومت عربستان پس از مرگ وی بدست راشد افتاد (۲)

خلاصه مقالات اسکندر بیک در کتاب عالم آراء راجع ببلاد

دورق و حکام آن نواحی از خاندان موالی

اسکندر بیک مینویسد که نواحی دورق تا زمان شاه طهماسب تحت تصرف امرای قزلباش حکام اطراف کیلویه بود و بعد از وفات شاه طهماسب مبارک بن عبدالمطلب بر آن نقاط دست یافته و ضمیمه حوزة نمود و تا موقع قتل سید راشد در تصرف وی بود سپس سید سلامه در آن بلاد استیلاء یافت ولی امام قلیخان بیگر بیگی فارس با سید سلامه مبارزه نموده بعد از زدو خورد بسیاری دست سلامه را کوتاه نمود و حکومت آن نواحی را به سید منصور برادر سید مبارک واگذار کرد ولی انقلاب شدیدی در آن نقاط پدید آمد و بالاخره امارت بلاد دورق و غیره به سید محمد خان بن سید مبارک تفویض گشت.